سینما

فیلم‌شناسی پدیده مهاجرت

موضوع مهاجرت در ادبیات سینمایی جهان، سابقه‌ای طولانی دارد. به پشتوانه همین سابقه و قدمت است که بسیاری از کارگردانان و هنرمندان، موضوع آن را مناسب و غنی برای خلق یک اثری می‌بینند و دست به کار می‌شوند. گفتمان مهاجرت در فیلمسازی جهان اغلب بر رویکردهای دراماتیک و ترومای آن تأکید دارد. با این حال برخی فیلم‌ها که اتفاقا مورد توجه نیز قرار گرفته‌اند، وجوه دیگری از این موضوع را نشان می‌دهند. برخی از این فیلم‌ها را می‌توان چنین فهرست کرد.

■ زمان / مهدی مطهر / ایران

فیلم و مستند «زمان»، قصه آدم‌هایی است که روزی تصمیم می‌گیرند برای همیشه کشورشان را ترک کنند. آدم‌هایی که روزی زندگی‌شان را به حراج گذاشته و به امید رسیدن به آرامش و خوشبختی، برای زندگی در کشوری دیگر، خانواده و گذشته‌شان را ترک می‌کنند. داستان مهاجرانی که خیلی زود حقیقت مهاجرت‌های بی‌پایه و بی‌اساس برایشان به خوبی آشکار می‌شوند، اما شاید برای برخی دیگر فرصتی باقی نمانده باشد.

■ جدایی نادر از سیمین / اصغر فرهادی / ایران

زندگی نادر و سیمین، با رؤیای مهاجرت برای بهبود زندگی فرزندشان دچار یک چالش جدی می‌شود. با وجود اصرارهای سیمین برای مهاجرت، نادر در دوراهی مهاجرت و نگهداری از پدرش، راه دوم را انتخاب می‌کند و زندگی‌شان در آستانه جدایی قرار می‌گیرد. در این میان مشکلات غیرمنتظره دیگری هم سد راهشان می‌شود.... فیلم «جدایی نادر از سیمین» جوایز متعددی در عرصه بین‌الملل، از جمله اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی سال ۲۰۱۲ دریافت کرده و نشریه گاردین این فیلم را در لیست ۱۰۰ فیلم برتر جهان که از سال ۲۰۰۰ به بعد ساخته شده‌اند، قرار داده است.

■ ارتفاع پست / ابراهیم حاتمی‌کیا / ایران

یکی از به یادماندنی‌ترین فیلم‌های ایرانی با موضوع مهاجرت، فیلم «ارتفاع پست» است. ارتفاع پست به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا در زمان خود توجه‌های زیادی را معطوف به‌خود کرد؛ به‌طوری که توانست برنده سیمرغ بلورین فیلم منتخب تماشاگران شده و نامزدی چندین جایزه دیگر را نیز به‌دست آورد. این فیلم وارد لایه‌های درونی مسئله مهاجرت غیرقانونی و بدون آینده‌نگری‌های فردی و جمعی می‌شود و به چرایی آن می‌پردازد.

■ در آمریکا / جیم شریدان / ایرلند و آمریکا

داستان یک زوج ایرلندی به همراه ۲ فرزندشان در فیلم «در آمریکا» روایت می‌شود که با ویزای توریستی و از طریق کانادا، به آمریکا، شهر نیویورک مهاجرت می‌کنند. پدر خانواده امیدوار است تا در نیویورک بتواند به شغل قبلی‌اش که بازیگری بوده، ادامه دهد، غافل از اینکه سبک زندگی در نیویورک ساختار زندگی آنها را بر هم می‌زند و چالش‌هایی را پیش رویشان قرار می‌دهد.فقر و عدم‌برخورداری از ساده‌ترین حقوق شهروندی به‌عنوان مهاجر از جمله کلیدی‌ترین موارد مورد اشاره این اثر سینمایی است.

■ نام خانوادگی / میرا نیر / هند

یک زوج هندی بعد از مهاجرت به آمریکا، صاحب ۲ فرزند می‌شوند. فرزندانی که در معاشرت با دوستان و همسالان آمریکایی خود، به‌گونه‌ای متفاوت تربیت می‌شوند و این آغاز مشکلات اساسی مهاجرت این زوج هندی در فیلم «نام خانوادگی» است.

■ بیمار بزرگ / مایکل شوالتر / آمریکا

«بیمار بزرگ» با موضوع مهاجرت، داستانی جذاب دارد و مسئله اختلاف فرهنگی ناشی از مهاجرت را به خوبی به تصویر می‌کشد. داستان این اثر درباره یک استندآپ کمدین پاکستانی به نام کمیل و دختری آمریکایی به نام امیلی است که باید با چالش‌های بزرگی کنار آیند. بیمار بزرگ با ۵ میلیون دلار بودجه، ۵۶ میلیون دلار فروش داشت و توانست یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های مستقل سال ۲۰۱۷ شناخته شود. این اثر ضمن برانگیختن تحسین‌های بسیار، نامزد جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی نیز شد.

■ بهشت است غرب / کوستا گاوراس / یونان و فرانسه

«بهشت است غرب» یک اثر دیگر با موضوع مهاجرت محسوب می‌شود که محصول مشترک ۲ کشور یونان و فرانسه است. داستان فیلم، به روایت بخشی از زندگی یک مهاجر جوان می‌پردازد که قصد مهاجرت به پاریس را به‌صورت غیرقانونی دارد. در پایان داستان وقتی مأموران کشور مقصد مقابل جوان مهاجرت‌کننده قرار می‌گیرند، او خود را ناامید و مستأصل به دریا پرتاب می‌کند.

■ مهاجر / چارلی چاپلین / آمریکا

یکی از خاطره‌انگیزترین آثار چارلی چاپلین، «مهاجر» است که با تصاویری از یک کشتی حامل مهاجران رهسپار آمریکا در یک دریای توفانی شروع می‌شود. در نیمه اوّل فیلم، مخاطرات رسیدن به مقصد تصویر می‌شود و در نیمه دوم، مصائب زندگی و پیدا کردن کار در این مقصد نهایی. در هر دو بخش، چاپلین استادانه نشان می‌دهد که زندگی برای یک مهاجر یک مبارزه تمام نشدنی است.

چهره‌هایی که به خانه بازگشتند

افراد مشهور بسیاری که مهاجرت کردند، به ایران بازگشتند

گزارش

رابعه تیموری
روزنامه‌نگار

وقتی چمدانشان را می‌بستند، رویاهای بسیاری در سرشان بود که اگر به‌وقوع می‌پیوست، شاید خوشبخت می‌شدند، ولی وقتی به آن طرف مرزهای وطن رسیدند همه پندارها و تصوراتشان فروریخت و نه‌تنها خوشبخت نشدند، بلکه داشتن سرمایه‌هایی که در خاک وطن به‌وجودشان افتخار می‌کردند، برایشان به حسرت تبدیل شد.

بالاخره تصمیم گرفتند برگردند و بازگشتند؛ البته آسان نبود؛ نه رفتن‌شان و نه بازگشتن‌شان، هیچ‌کدام آسان نبود، ولی پیش از آنکه پل‌های پشت سرشان خراب شود و محبوبیت و مقبولیت گذشته آنها در گمنامی غربت مدفون شود به خاک خود برگشتند تا دوباره همه‌چیز را از نو بسازند.

نوشتار زیر حکایت آدم‌هایی است که کم یا زیاد در میان ایرانیان اسم و آوازه دارند، در زمانی دور یا نزدیک تصمیم گرفته‌اند برای همیشه از ایران بروند و پس از دیدن رنگ‌های خاکستری که در پس‌زمینه تصاویر شاد غربت وجود دارد، به وطن بازگشتند.

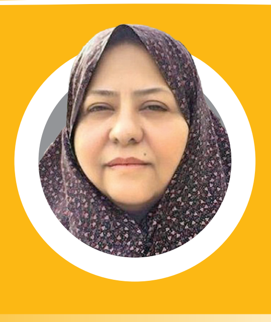

رابعه اسکویی
دلتنگ خانه بودم

«من برگشتم... ایرانم... اومدم... اینجام، همین‌جا... یه وقتایی به چیزایی هست که گفتنش محاله، نه که نخوای بگی، نه... می‌خوای... حتی واژه هم براش داری... ولی نمی‌شه، به زبون میاد، ولی به گوش هیچ‌کس نمیاد... دلتنگی، خونه، دوست، فامیل، رفیق، صدا، هوا، خاک... خاک... خاک... وطن...! من اینجام، تهرانم... برگشتم به عشق این خاک، به عشق مردم... رفتم به خیال هوای تازه و روزای بهتر، رفتم که نباشم... که زندگی کنم... دیدم اما نمی‌شه... هرجا می‌رم باز اینجام، دلم، جونم، نفس.. نفس... نفسم اینجا بود... بی‌تاب برگشتن، بی‌قرار بودن... بودن با مردمم... دلم زیارت خواست، چشمی سبک کنم به چار قطره اشک پای ضریح، عطر گلاب، وقت اذان، حضرت عشق... من اینجام... برگشتم... ایرانم... همین‌جا.. تهران... هوام رو دارن، پام رو زمینه، دوستم دارن این مردمی که عشق، روح، نفس و دلیل برگشتنم به خونن ...» این پست پر از شادی و هیجان رابعه اسکویی بود که وقتی برای همیشه از ترکیه برگشت، همراه با تصویری از خود در اینستاگرامش منتشر کرد. این بازیگر طناز سریال‌های طنز ایرانی که با فیزیک بدنی و بازی خاصش از چهره‌های دوست‌داشتنی سینمای ایران به شمار می‌آید، پس از بازگشت با بازی در آثاری مانند سریال «مستوران» طعم محبوبیت در میان مردم کشورش را دوباره چشید.

هرمز سیرتی
جسارت بازگشت داشتم

بسیاری از بینندگان آثار تلویزیونی، هرمز سیرتی را با نقش‌آفرینی در آثاری مانند «هشت ونیم شب»، «سازمان ۴»، «نقش عشق»، «قانون» و «رنج و سرمستی» می‌شناسند.

او که در دهه ۷۰ به یکی از چهره‌های پرکار سینمای ایران تبدیل شده بود، در پی کم‌کاری طولانی به دعوت شبکه جم برای حضور در تولیدات این شبکه پاسخ مثبت داد و در رؤیای معروف شدن در میان مردم ترک‌زبان کشور ترکیه و کسب درآمدی قابل توجه تصمیم گرفت برای همیشه از ایران برود، اما وقتی به دنیای پشت پرده آثار این شبکه تلویزیونی پی برد، متوجه شد راهش را به خطا رفته و نه‌تنها مردم ترکیه جای خالی هموطنانش را پر نمی‌کنند، بلکه این شبکه نیز به نیاز او برای دوباره چهره شدن پاسخ نمی‌دهد.

همراه با هرمز سیرتی، بازیگران بسیاری به شبکه جم پیوستند و مانند او پس از مدتی از مهاجرت خود و همکاری با این شبکه پشیمان شدند، اما او از معدود بازیگرانی بود که جسارت بازگشت را داشت و در ذهن هموطنانش به‌عنوان یک هنرمند باقی ماند.

امیرمحمد زند
در غرب خبری نیست

در شرایطی که غرب‌مآبی به ژست رایج روشنفکران تبدیل شده و عده‌ای از نابازیگران حتی اگر در ینگه دنیا زندگی شرافتمندانه، مرفه و عزتمند هم نداشته باشند، باز ماسک بر چهره می‌زنند و در پست‌های اینستاگرامی خود تظاهر به خوشحالی می‌کنند، باید امیرمحمد زند را ستود که بدون آنکه در قید و بند قضاوت‌های بغض‌آلود باشد، روی صندلی داغ برنامه ویدئویی ۱۰۰ برگ نشست و درباره واقعیت مهاجرت متن‌خوانی کرد.

بازیگر سریال ستایش و عملیات ۱۲۵ که برای تحصیل چند سال در ایتالیا بوده و تجربه لندن‌نشینی هم داشته است، در پست‌های اینستاگرامی خود دلسوزانه واقعیات و ناگفته‌های زندگی مهاجران ینگه دنیا را بازگو کرده است.

او در یکی از پست‌های جنجالی‌اش از یکی از محله‌های مهم لندن تصویری ارائه کرد که برای چمدان به دستان آماده سفر به ینگه دنیا، عجیب و باورنکردنی بود. او در این پست از نازیبایی‌های این محله مانند صدها کارتن‌خواب و وجود فضولات انسانی در این محله گفت و از شیفتگان مهاجرت خواست با هوش و درایت، اخبار آن طرف آب را بشنوند و تحلیل کنند.

بهروز فروتن
هیچ جای دنیا ایران نمی‌شود

بنیانگذار یکی از صنایع نامدار غذایی، عمری را به کارآفرینی و کسب تجربه در صنعت تولید فرآورده‌های غذایی کشور گذرانده و در فراز و نشیب این راه درازمو سپید کرده، اما بیش از آنکه به برندهای تولیدات و سرمایه اقتصادی خود ببالد، تربیت ده‌ها نیروی کارآفرین و خلاق را ثمره و دلخوشی زندگی‌اش می‌داند. برای بهروز فروتن موقعیت‌های بسیاری پیش آمده که بتواند خود را از رنج و دردسرهای دنیای تولید به‌کلی آسوده کند و با زندگی در آن ور آب ثمره سال‌ها زحمتش در تولید صنایع غذایی را بچشد، ولی حتی در لحظاتی که نماندن و رفتن بهترین راه‌حل به‌نظر می‌آمد، مرد سپیدموی صنایع غذایی ایران نتوانست خودش را به زندگی در غربت راضی کند. بهروز فروتن که معتقد است «هیچ جای دنیا ایران نمی‌شود»، هنوز هم با وجود کهولت سن، کوله‌بار تجربیات و اندوخته زحمات چندین ساله خود را در اختیار جوانان جویای کار نقاط محروم کشور می‌گذارد تا فوت و فن روی پای خود ایستادن و ماهیگیری از دریای ناآرام زندگی را بیاموزند.

محمدصادق الحسینی
اینجا حالم بهتر است

محمدصادق الحسینی از اقتصاددانان مطرح و نخبه‌های علمی کشور است که جایگاه شغلی در بانک جهانی را رها کرده و بعد از به دنیا آمدن فرزندش در آمریکا به ایران بازگشته است. الحسینی سال ۱۳۶۲ در اراک به دنیا آمده است. لیسانس و فوق لیسانس را از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران دریافت کرده و برای زندگی عازم آمریکا شده است. او در آمریکا در کنار زندگی خانوادگی به کار و تحصیل مشغول بود و در دانشکده «مکسول» در رشته روابط بین‌الملل و مدیریت عمومی توسعه تحصیل کرد، اما زمانی که شرایط اشتغال در بانک جهانی برایش فراهم شد، احساس کرد با وجود همه موفقیت‌هایی که در غربت به‌دست آورده در کشورش روحیه شادتری دارد و درحالی‌که فرزندش یک‌ساله بود بار و بندیل سفر بست و برای همیشه به ایران آمد. او اکنون از مدیران موفق شرکت‌های بیمه‌ای کشور به شمار می‌آید. الحسینی معتقد است قضاوت‌های مردم مهم‌ترین مانع برای بازگشت مهاجرانی است که در وطن حالشان بهتر از غربت است و دوست دارند در ایران زندگی کنند.

طناز بحری
برای خدمت به وطنم

خانم دکتر ایرانی رئیس کلینیک هماتولوژی بیمارستان آراسموس روتردام هلند بود، اما حقوق ۱۰ هزار یورویی و موقعیت شغلی‌اش را رها کرد و به ایران آمد تا به کشورش خدمت کند. طناز بحری از ۱۰ سالگی در هلند زندگی کرده و حالا یکی از نخبگان ایرانی است. او می‌گوید: «باید دینم را به کشورم ادا کنم! در کشور هلند ۴۵ درصد از حقوق ماهانه‌ام به‌عنوان مالیات برداشته می‌شود و بخش زیادی از این مالیات، خرج تروریست‌هایی مثل مزدوران رژیم صهیونیستی می‌شود. خرج کشتن کودکان مظلوم! من نمی‌توانم این را بپذیرم باید به وطن برگردم و باید دینم را به وطن ادا کنم!» او در مصاحبه‌هایی که پس از بازگشت به ایران داشته، ایران را به کشتی نوح تشبیه می‌کند و می‌گوید: «احساس می‌کنم هر کس سوار این کشتی شود عاقبت به خیر می‌شود!» در سال ۱۳۹۷، ۱۱ نفر به‌عنوان چهره‌های مردمی به مرحله نهایی انتخاب چهره سال برنامه تلویزیونی «فرمول یک» راه پیدا کردند که طناز بحری یکی از این ۱۱ نفر بود.

سامان طهماسبی
کشتی‌گیر ایرانی به وطن برگشت

سامان طهماسبی از کشتی‌گیران ایرانی است که مدتی کشور خود را ترک کرد و در کشور آذربایجان مشغول زندگی و فعالیت‌های ورزشی بود، اما حدود ۷ سال پیش به ایران برگشت. طهماسبی در سال ۱۳۶۴ در شهرستان سنندج به دنیا آمد.

او خیلی زود در دنیای کشتی مطرح شد و تا سال ۲۰۱۰ برای ایران روی تشک می‌رفت، اما در آن سال تصمیم به مهاجرت به کشور آذربایجان گرفت و کشتی را در این کشور ادامه داد.

پاداش و حقوق ماهانه زیادی که آذربایجانی‌ها به کشتی‌گیران و مدال‌آوران ورزش می‌پردازند از مهم‌ترین دلایلی بود که سبب شد طهماسبی ترک دیار کند و به جای پیراهن ایران، با دوبنده جمهوری آذربایجان در رقابت‌ها شرکت کند. او در المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو با دوبنده آذربایجان روی تشک رفت. این کشتی‌گیر ایرانی بعد از المپیک ریو از کشتی خداحافظی کرد و به زادگاهش خود، سنندج برگشت.

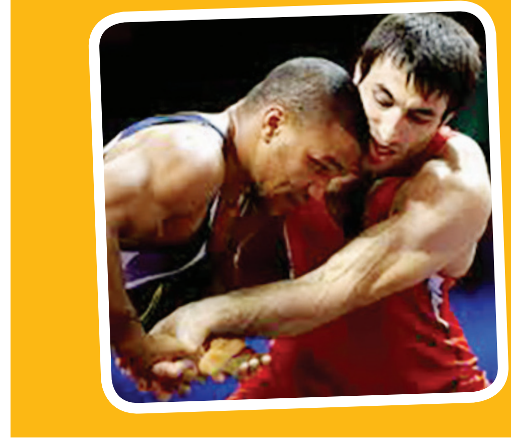

مهاجرستیزی و اسلام‌ستیزی در اروپا

قدرت گرفتن راستگرایان افراطی در اروپا شرایط مهاجران را دشوارتر کرده است

در حالی که تب مهاجرت به کشورهای اروپایی هر روز تندتر می‌شود و هر روز موجی از پناهجویان و مهاجران ملیت‌های مختلف برای در امان ماندن از آثار و صدمات جنگ‌افروزی‌ها و سیاست‌های انحصارطلبانه آمریکا و دستیابی به مواهب زندگی اروپایی روانه مرزهای این کشورها می‌شوند، پیروزی و بر سر کار آمدن احزاب ملی‌گرا و راست افراطی در بعضی از کشورهای اروپایی، نگرانی مهاجران و اقلیت‌های دینی و قومی-نژادی را برانگیخته است. این نگرانی از مواضع، اصول و ایدئولوژی‌های ضدمهاجرتی احزاب راستگرا ناشی می‌شود. پیروزی این احزاب بسته شدن مرزهای این کشورها روی مهاجران و وضع قوانین سختگیرانه مهاجرت را به‌دنبال داشته و شرایط را برای مهاجران و پناهجویان قاره اروپا سخت و پرخطر کرده است.

مخالفان سیاست‌های مهاجرپذیری

از جنگ جهانی دوم به بعد قاره اروپا به مقصدی برای مهاجران و پناهجویان تبدیل شد تا این قاره علاوه بر جذب نیروی کار ارزان‌قیمت، از خطر پیری جمعیت نیز رهایی یابد. کشورهای پیشرفته صنعتی در شرایط عادی به دلایل جمعیتی و اقتصادی به مهاجران جوان نیاز دارند تا سیستم امنیت اجتماعی آنها را حفظ و سرعت پیر شدن جمعیت را کند کند؛ بنابراین با وجود مشکلاتی که در طول دهه‌های اخیر پدیده مهاجرت برای کشورهای اروپایی به‌وجود آورده بود، این کشورها سیاست مهاجرپذیری خود را حفظ کردند.

با وجود میل دولت به مهاجرپذیری، عموم جامعه از این امر ناراضی و مشکلات ناشی از مهاجرت را محصول سیاست‌های حزب حاکم می‌دانستند. با توجه به ایدئولوژی مهاجرستیز و اسلام‌ستیز احزاب راست افراطی، فرصت مناسبی در اختیار این احزاب اروپا قرار گرفت تا از افزایش مهاجرت مسلمانان به اروپا به‌عنوان برگ برنده برای جذب افکار عمومی جهت اعمال فشار بیشتر بر مهاجرت مسلمانان بهره بگیرند و افزایش میزان مهاجرت مسلمانان به اروپا پس از تحولات خاورمیانه، سبب تقویت گرایش‌ها به احزاب راست افراطی اروپا شود.

پیروزی احزاب راستگرا

زمینه‌های مخالفت با مهاجران در اروپا سبب شد حزب راستگرایان افراطی به‌عنوان احزاب سیاسی برنده بر سر کار آیند و نخستین جرقه‌های حاکمیت این احزاب در ایتالیا زده شود.

اوایل مهرماه سال گذشته در انتخابات پارلمانی ایتالیا، حزب «فراتیلی دیتالیا» (برادران ایتالیا) به‌عنوان راستگراترین جناح این کشور به رهبری «جورجیا ملونی» ۴۵ ساله به پیروزی رسید و پروسه حاکمیت این حزب که از سال‌ها پیش آغاز شده بود، صورت رسمی به‌خود گرفت.

ایتالیا تنها کشور مهاجرپذیر اروپایی نیست که با روی کارآمدن راستگرایان، سیاست‌های مهاجرپذیری آن دستخوش تغییر و تحول می‌شود و این احزاب بر حاکمیت و نظام اجرای قوانین کشورهای دیگری مانند سوئد، آلمان، فرانسه و... نیز سایه انداخته‌اند. در انتخابات اخیر سوئد ائتلاف راستگرایان متشکل از اعتدال‌گرایان، لیبرال‌ها، دمکرات‌های مسیحی و دمکرات‌های سوئدی موفق شدند که ۱۷۶ کرسی پارلمان را به‌دست آورند.

در انتخابات پارلمانی کشور آلمان نیز که سال گذشته برگزار شد، حزب راست افراطی «جایگزین به‌منظور آلمان» ۱۰ درصد آرا را به‌دست آورد. در فرانسه نیز حزب تجمع ملی به ریاست مارین لوپن در دور دوم انتخابات پارلمانی توانست ۸۹ درصد کرسی را به‌دست آورد.

قوانین خشن برای مهاجران

ناگفته پیداست که قدرت گرفتن این احزاب تندرو در اروپا به تغییر قوانین مهاجرپذیری و پناهندگی کشورهای این قاره انجامیده و شرایط دشواری را پیش روی مهاجران و پناهجویان قرار داده است.

قوانین مصوب در کشور فرانسه از جمله این قوانین است. قوانین اضطراری این کشور، اجازه دستگیری و بازرسی‌های با بهانه و بی‌بهانه پناهجویان را به پلیس فرانسه می‌دهد.

در بلژیک، آلمان و هلند نیز فهرست‌هایی از مظنونان تهیه شده و در اختیار پلیس این کشورها قرار گرفته که در میان آنها نام جوانان رنگین‌پوست بیشتر از سایر افراد به چشم می‌خورد. در انگلیس هم پلیس از این اختیار برخوردار است که مهاجران مرتکب جرائم جزئی را به‌سادگی اخراج کند. با تمایل فزاینده گروه‌های راستگرای افراطی به مبارزه با مهاجران و تشدید بحران اقتصادی در جوامع اروپایی، به‌نظر می‌رسد که تداوم حضور این احزاب می‌تواند زمینه‌های خشونت بیشتر و اعمال قوانین تبعیض‌آمیز علیه مهاجران در کشورهای اروپایی را- که بخش اعظمی از آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند- به‌وجود آورد.

مهاجران، منشأ مشکلات اروپا

احزاب راست افراطی، مهاجران را در ۳ زمینه به‌عنوان معضل می‌نگرند:

۱ در بعد فرهنگی، مهاجرت به‌عنوان تهدیدی برای همگونی و انسجام فرهنگی کشورهای پذیرا مطرح است. باور طرفداران احزاب راستگرا بر این است که مهاجران نمی‌خواهند و نمی‌توانند در فرهنگ کشور میزبان جذب شوند و اغلب از مهاجران به‌عنوان «سونامی» یاد می‌شود.

۲ در حوزه امنیتی، مهاجرت و جرائم همواره به یکدیگر پیوند داده می‌شوند. استدلال احزاب راستگرای افراطی این است که مهاجران غالبا به اقدامات مجرمانه روی می‌آورند. حوادث ۱۱ سپتامبر و پس از آن اقدامات تروریستی در لندن و مادرید باعث شد که مهاجرت به تروریسم پیوند بخورد.

۳ در حوزه اقتصادی، احزاب راستگرای افراطی معتقدند که مهاجران بار سنگینی بر دوش کشورهای اروپایی هستند و فرصت‌های شغلی را از چنگ شهروندان اروپایی خارج می‌کنند. آنها بیکاری را در پیوند مستقیم با مهاجران می‌دانند.

احزاب راست افراطی این باور را که سیاستمداران حاکم نماینده مردم هستند، رد می‌کنند و این سیاستمداران را نماینده منافع اقتصادی شخصی و گروه‌های ذی‌نفوذ می‌دانند. احزاب راست‌ستیز افراطی اعتقاد دارند برای حل مشکلات مردم باید تصمیمات قاطع، عاجل و مؤثری توسط حاکمیت گرفته شده و به فوریت به اجرا گذاشته شود. آنها باور دارند وجود مهاجران ریشه بسیاری از مشکلات کشورهای اروپایی به شمار می‌آید و خارجی‌های مجرم مشکل اصلی جوامع اروپایی هستند؛ درحالی‌که احزاب مخالف به‌دلیل داشتن سیاست‌های مهاجرپذیری از عهده حل این مشکلات برنمی‌آیند.

> در بعد فرهنگی، مهاجرت به‌عنوان تهدیدی برای همگونی و انسجام فرهنگی کشورهای پذیرا مطرح است. باور طرفداران احزاب راستگرا بر این است که مهاجران نمی‌خواهند و نمی‌توانند در فرهنگ کشور میزبان جذب شوند و اغلب از مهاجران به‌عنوان «سونامی» یاد می‌شود

پلان یک

فعالان استارت‌آپی برای بازگشت مشتاق‌ترند

در سال ۱۴۰۱ پژوهشی درباره موضوع مهاجرت در میان ۴ گروه اجتماعی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، استادان، محققان و پژوهشگران، پزشکان و پرستاران و فعالان حوزه کسب‌و‌کارهای نوپا (استارت‌آپ‌ها) توسط «رصدخانه مهاجرت ایران» تهیه و منتشر شد. این پژوهش از طریق پرسشنامه‌ها و به‌صورت آنلاین انجام شد و نزدیک به ۳ هزار نفر در آن مشارکت کردند.

یکی از شاخص‌هایی که در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفته، شاخص میل به بازگشت بوده است. این شاخص میل به بازگشت را در میان مهاجرانی می‌سنجد که مایل هستند درصورت وجود فرصت، به کشور مبدأ خود بازگردند.

در شاخص میل به بازگشت به کشور بعد از مهاجرت، از ۳ گروه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پزشکان و پرستاران و فعالان استارت‌آپی به‌صورت مستقیم پرسش شده و این مخاطبان به سؤالات پاسخ داده‌اند.

بیشترین میل به بازگشت به کشور بعد از مهاجرت، در میان فعالان استارت‌آپی و در حدود ۱۲ درصد بوده است. شاخص میل به بازگشت به کشور، در میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» ۶ درصد و در میان «پزشکان و پرستاران» ۳ درصد بوده است. در این شاخص از نرخ مرددین به بازگشت به کشور آماری وجود دارد. مرددین شامل افرادی هستند که شرایط بازگشت خود را وابسته به شرایط آتی کشور و شرایط فردی منوط دانسته‌اند یا اینکه در این زمینه هنوز ذهنیت شفاف و روشنی ندارند. نرخ مرددین در میان پزشکان و پرستاران ۶۶ درصد، در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ۵۷ درصد و در میان فعالان استارت‌آپی در حدود ۳۳ درصد است.

پلان ۲

افسردگی بعد از مهاجرت

در تحقیقاتی که یوسف انصاری پیرامون موضوع مهاجرت و جوانب آن داشته، به افسردگی پس از مهاجرت توجه شده و به‌عنوان عاملی که فرد را برای بازگشت به وطن ترغیب می‌کند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این عضو انجمن علمی روانپزشکان ایران، در مقالات خود به این عامل اشاره کرده و توضیح داده است: «امکان دارد سازگاری با زندگی در کشور جدید به‌دلیل فشار برای همگون شدن، برای مهاجر چالش‌برانگیز باشد. میزان و شدت این چالش به قوانین و شرایط کشوری که به آن مهاجرت شده بستگی دارد و این امر می‌تواند در برخی کشورها چالش‌برانگیزتر از کشورهای دیگر باشد. درحالی که برخی از کشورها ممکن است به مهاجران فرصت‌هایی برای اسکان و ادغام در جامعه ارائه دهند، کشورهای دیگر آنها را تحت فشار دائمی برای جذب و پذیرش فرهنگ جدید قرار می‌دهند. اگر این فشار به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند باعث افسردگی فرد شود.» این روانپزشک در توضیح سایر دلایلی که می‌تواند در افسردگی بعد از مهاجرت نقش داشته باشد و شخص را به بازگشت وادارد، به دوگانگی‌های فرهنگی مبدأ و مقصد مهاجرت اشاره کرده و در مقاله خود آورده است: «در شرح سایر عوامل مؤثر در افسردگی بعد از مهاجرت می‌توان به برقراری ارتباط مجدد با فرهنگ اصلی خود و عدم‌آگاهی از فرهنگ و آداب و رسوم کشور میزبان اشاره کرد.» انصاری توضیح داده است: «افسردگی پس از مهاجرت ممکن است باعث شود مهاجر در کشور میزبان، احساس غریبی و عدم‌تعلق کند و میل به بازگشت داشته باشد.»

پلان ۳

علل عدم‌موفقیت در مهاجرت

یکی از دفاتر مهاجرتی کشور با تحقیقاتی که روی مهاجرت‌های شکست خورده انجام داده، به نتایجی دست پیدا کرده که آن را در قالب مقاله‌ای در سایت خود منتشر کرده است. در این مقاله، عوامل زیر به‌عنوان نقاط چالش‌زا و دلایل شکست در مهاجرت عنوان شده است:

■ **نرسیدن به هدف:** این عامل با بیشترین تأثیرگذاری مهم‌ترین علت شکست در مهاجرت مطرح شده است.

■ **ضعف در یادگیری زبان:** تأثیر این عامل بسیار مهم برآورد شده است.

■ **هزینه‌های بالای زندگی:** تعداد افرادی که به‌دلیل این عامل در مهاجرت شکست می‌خورند، قابل توجه است.

■ **انتخاب شهر و کشور نامناسب:** معمولا ناخواسته و به‌دلیل محدودیت‌های مهاجرت پیش می‌آید.

■ **اطلاعات ناقص از قوانین و فرصت‌های جدید مهاجرتی:** از عوامل قابل توجه محسوب می‌شود.

■ **نداشتن برنامه مدون و اولویت‌بندی در مسیر مهاجرت:** این امر مهاجر را در مراحل اولیه مهاجرت دچار احساس شکست و پشیمانی می‌کند.

■ **دلتنگی خانواده:** از مهم‌ترین عوامل شکست در مهاجرت به شمار می‌آید.

■ **استرس‌های زندگی در کشوری جدید:** متناسب با شرایط کشور میزبان در میزان موفقیت مهاجرت تأثیرگذار است.

■ **داشتن فرهنگ و سبک زندگی و باورهای متفاوت:** در دهه اول پس از مهاجرت ممکن است به شکست مهاجرت بینجامد.

■ **شرایط اقلیمی کشور میزبان:** شرکت‌کنندگان در پژوهش نقش این عامل را قابل توجه دانسته‌اند.